

نگاه بیرون

چرا ترامپ به بگرام نیاز دارد

THE NATIONAL INTEREST

ترجمه: شهرام زرندار

● دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا قبول داده با کره‌شمالی گفت‌وگو کند و روابط با روسیه را بهبود بخشد؛ دو کشوری که درحال حاضر بزرگ‌ترین چالش امنیت هسته‌ای هستند. اگر ترامپ در دنبال‌کردن این اهداف باارزش، جدی باشد، باید توافق هسته‌ای با ایران را نگه دارد. پاره‌کردن توافق هسته‌ای با ایران جدا از فاجعه‌باربودنش، هرگونه تلاش دولت ترامپ برای درگیرکردن مسکو و پیونگیانگ را نابود خواهد کرد. سیاست دولت ترامپ درباره ایران برای کره‌شمالی بسیار کلیدی و حیاتی است؛ زیرا این سیاست، درس مهمی برای کره‌شمالی است که از وجود منافع بسیار در فرایند دیپلماسی با ایالات متحده حکایت می‌کند؛ اگرچه کره‌شمالی کشوری منزوی است؛ اما رهبرانش اخبار جهان را دنبال می‌کنند و اگرچه ایران و کره‌شمالی دارای وجوه مشترک اندکی هستند، اما هر دو مدت‌هاست که هدف سیاست منع اشاعه هسته‌ای ایالات متحده قرار گرفته‌اند؛ سیاستی که با تهدید به تغییر رژیم از سوی ایالات متحده همراه است. این همان سیاستی است که درباره عراق نیز به کار گرفته شد و با جنگ سال ۲۰۰۳ به افراط گرایید. دولت اوپاما تلاش کرد با ایران رفتار دیگری داشته باشد و از سیاست تغییر رژیم سیاست بردارد؛ به‌همین‌دلیل راه‌حل دیپلماتیک را برپایه سازش به کار گرفت. این تغییر استراتژی با امضای توافق هسته‌ای با ایران به بار نشست؛ هرچند هر توافقی با پیونگیانگ کاملاً متفاوت خواهد بود؛ اما این مسیر مطمئناً همان مسیری است که ایالات متحده باید درباره کره‌شمالی نیز دنبال کند. اگر کره‌شمالی ببیند که یک توافق هسته‌ای مهروموم و امضاشده به وسیله یک دولت در ایالات متحده می‌تواند به‌سادگی از طرف یک دولت دیگر در ایالات متحده پاره شود، چه انگیزه‌ای برای عبور از همان راه رایش باقی می‌ماند؟ احترام‌نگذاشتن ایالات متحده به تعهداتش نیز دنبال کند. اگر کره‌شمالی ایالات، اعتبار این کشور را به‌عنوان یک شریک مذاکره‌کننده از بین می‌برد و به طرزى مؤثر هرگونه تلاش دیپلماتیک با ایران یا کره‌شمالی را محکوم به شکست می‌کند؛

اما درباره روسیه، روسیه نمی‌خواهد ایالات متحده درباره توافق هسته‌ای با ایران برخلاف قوانین عمل کند؛ توافقی که روسیه نیز یکی از امضاکنندگان آن است؛ هرچند در اینجا منافع بیشتری از یک مامعسل دیپلماتیک وجود دارد. توافق هسته‌ای با ایران فرصتی منحصربه‌فرد برای ترامپ است تا روابط بین ایالات متحده و روسیه را با مورد توجه قراردادن نگرانی‌های بلندمدت پوتین درباره سیستم دفاع موشکی ایالات متحده در اروپا بهبود بخشد. پروژه دفاع موشکی اروپایی در بدو امر در چارچوب برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران توجیه شده بود. روسیه که پیوسته متهم بود مسئله را این‌طور توجیه می‌کند، استدلال می‌کرد که این سیستم دفاعی موشکی می‌تواند بازدارندگی هسته‌ای او را تحت‌الشعاع قرار دهد. در دوران دولت بوش و طرح او برای به‌کارگیری موشک‌های دوربرد در شرق اروپا مسئله همین بوده است. در سال ۲۰۰۹ دولت اوپاما چیزی را مطرح کرد که به نظر می‌طرح محسوس‌تر می‌رسد. رویکرد فازهای به‌کاررفته‌شده اروپایی که دست آخر تبدیل به یک سیاست مورد اتکای ناتو شد. همچنان که اوپاما در آن زمان استدلال می‌کرد سیستم‌های دفاع موشکی اروپایی تنها تا آنجایی ضروری بود که برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران به‌عنوان یک تهدید واقعی خود را تحمیل می‌کرد؛ هرچند پروژه ضدموشکی ناتو در ماه می با فراهم‌آمدن یک سایت جدید سیستم موشکی در لهستان، وارد یک فاز جدید شد؛ اما توافق هسته‌ای به طرزى خاص و ویژه ریسک اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را کاهش داده است؛ علاوه‌براین، ایران موشک‌های با برد لازم برای حمله به اروپا که برقراری و توسعه سیستم دفاع موشکی در لهستان را توجیه کند، در اختیار ندارد. روسیه با تهدید کشورهای اروپایی که میزبان اجزاء سیستم دفاعی هستند، به برقراری سیستم موشکی در لهستان پاسخ داده است و این امر به‌شکلی پارادوکسیکال، اروپایی‌ها را ترغیب کرده که به طور فزاینده به طرح‌های قدیمی خود به‌عنوان سیری علیه روسیه بچسبند. دولت جدید می‌تواند با توقف سازوکار سایت غیرضروری لهستان یکی از بزرگ‌ترین موانع مطرح‌شده از سوی پوتین را از میان برداشته و روابط ایالات متحده و روسیه را بهبود بخشیده و تنش‌ها در اروپا را کاهش دهد. به‌عنوان یک محصول جانبی، ایالات متحده می‌تواند ۶۳۰ میلیون دلار پس‌انداز کند و برای دنبال‌کردن گفت‌وگو با روسیه درباره کنترل تسلیحاتی جدید در موضع بهتری قرار داشته باشد. این تنها در صورتی است که طرح توافق هسته‌ای با ایران روشن و مشکلات آن حل شود؛ بنابراین توافق هسته‌ای با ایران نهتنها به خاطر خودش، بلکه به‌خاطر پیامدهایش برای دو چالش دیگر هسته‌ای که دولت جدید آمریکا با آن مواجه خواهد شد، حیاتی است. انتخاب پیش‌رو روشن است: توافق هسته‌ای با ایران را به تسلط زباله بیندازیم و اجازه دهیم تا دیگر بحران‌های جهانی باعث ایجاد حساسیت شوند یا از توافق هسته‌ای با ایران حفاظت و به حل هر سه مشکل کمک کنیم.

شرق، زینب اسماعیلی: قطع رابطه ایران و مصر و مشکلات موجود بین دو طرف آنچنان بزرگ می‌نماید که کوچک‌ترین تحرکی مخالف این جریان نیز اغلب با بزرگ‌نمایی رسانه‌ای و تحلیلی روبه‌رو می‌شود. آن‌هم پس از سه دهه کج‌دارومریز رابطه. پناهدادن به شاه فراری‌شده از ایران، قطع رابطه و سفر چندساعته رئیس‌جمهوری این کشور به تهران تنها برای تحویل عنوان رئیس سازمان همکاری‌های اسلامی را کنار جدیدترین پارامتر که بگذاریم، نتیجه معادله اندکی متفاوت می‌شود. ایران حضور در اجلاس سوریه را مشروط به حضور مصر کرد و بر این درخواست چنان مُصر ماند که از وزیر خارجه آن کشور دعوت شد و او هم به نشست آمد. اگرچه از تعامل وزیر ایرانی و نماینده مصری، گزارش‌ی مخایره نشده اما خود این شرط و پیش‌قدمی از سوی تهران، مایه شگفتی است. حجت‌الله جودکی، کارشناس و تحلیلگر مسائل مرتبط با مصر معتقد است که این همسویی اجباری است و شرایط منطقه موجب آن شده است. شاید دور از نظر نباشد که همین همسویی‌های اجباری موجب برقراری صلح در منطقه خاورمیانه شود.

زیربار گذشته

رابطه ایران و مصر را دقیقاً می‌توان به دو بخش قبل و بعد از پیروزی انقلاب تقسیم کرد؛ البته روابط پیش از انقلاب نیز خود به دو بخش کاملاً متضاد تقسیم می‌شود. تا پیش از کودتای «افسران آزاد» و سرنگونی حکومت سلطنتی، روابط تهران-قاهره از چنان گرمایی برخوردار بود که نخستین ملکه شاه وقت ایران، یک مصری و خواهر ملک فاروق، پادشاه مصر بود. در زمان جمال عبدالناصر اما روابط دو کشور چنان به تیرگی گرایید که علاوه بر جنگ شدید رسانه‌ای و حملات تبلیغاتی متقابل، دو کشور در اغلب چالش‌های منطقه‌ای هم‌وارد هم تلقی شده و حتی از یاری مالی و نظامی مخالفان یکدیگر نیز دریغ نداشتند. مرگ ناصر و بر سر کار آمدن انور سادات در سال ۱۹۷۰ سبب گسست یکباره مصر از اردوگاه شرق و حرکت این کشور به همان نقطه‌ای بود که شاه ایران به عنوان مهم‌ترین متحد منطقه‌ای غرب، در آن ایستاده بود. روابط شاه و سادات از آن پس چنان گرم و صمیمانه شد که پس از انقلاب اسلامی، مصر میزبان محمدرضا شاه شد تا آنکه در همان کشور درگذشت و همان‌جا دفن شد؛ اما استقبال از شاه مخلوع در ایران انقلابی آن روزها شادمان‌کننده نبود و امام خمینی دستور به قطع رابطه ایران و مصر داد.

البته امضای قرارداد صلح کمپ‌دیوید بین قاهره و

تل‌آویو نیز مزید بر علت شد. دو سال از قطع رابطه ایران و مصر می‌گذشت که انور سادات در جریان رژه نظامی، از سوی یک افسر اسلام‌گرا ترور شد. او عضو گروه جهاد اسلامی مصر بود که بعد از دستگیری با هم‌فکرانش در قفس‌های فولادی به دادگاه منتقل شد؛ انگیزه‌اش از ترور انور سادات، همان قرارداد کمپ‌دیوید بود. همین قربایت مفهومی موجب شد که نام او بر تابلوهای خیابان وزاری سابق بنشیند؛ اما آن تابلوهای کوچک و نقاشی دیواری خیابان کریمخان، تنها تصاویری شهری در تهران نبودند، بانک بلندش تا رود نیل رسید و بازترین نشانه سال‌ها اختلاف تهران و قاهره شد. سال‌های جنگ ایران و عراق فرصت خوبی برای تسویه‌حساب بود. ازهمین‌رو مصر به‌شدت از مدام حسین دفاع می‌کرد. ۱۱ سال بعد روابط دو طرف در سطح اقتصادی به دلیل وجود منافع مشترک احیا شد اما روابط همچنان پرتنش بود.

سلام وعلیک بعد از قهر۲۰ساله

چراغ‌های رابطه خاموش بود، مثل چراغ رابطه با کشورهای زیادی که با خاموش بود یا کورسویی داشت. دولت اصلاحات اما با استقبال بسیاری در جهان مواجه شد. از اروپا تا آمریکا. مصر هم در این بین مستثنا نبود؛ رئیس دولت اصلاحات پس از ۲۰ سال قطع رابطه، در ژنو با حسنی مبارک دیدار و گفت‌وگو کرد اما سرما

دیپلماسی



مروری بر گذشته، حال و آینده رابطه ایران و مصر

چراغ‌های رابطه هنوز تاریک‌اند

آن‌چنان ببر درخت رابطه تازه‌بد بود که با یک سلام و علیک، جانش گرم نمی‌شد.

تیرهایی که به سنگ خورد

نوبت به محمود احمدی‌نژاد که رسید او بدون آنکه بداند این رابطه باید دوسویه باشد و او به عنوان رئیس دولت پیرای چنین اظهارنظری باید اول از عزم داخلی مطمئن باشد. طبیعی بود که تیرش به سنگ بخورد. احمدی‌نژاد گفته بود که «آماده هستیم تا اگر همین امروز دولت مصر اعلام آمادگی کند، سفارتمان را در آن دایر کنیم»؛ اما دولت مصر از این پیام به‌سادگی گذشت. شاید جمهوری اسلامی ایران را آن‌قدر که لازم بود مصمم نمی‌دید. حتی دو سال بعد حسنی مبارک، رئیس جمهوری جدید مصر، پس از اطلاع از دعوت محمود احمدی‌نژاد در نشست سالانه سران اتحادیه عرب در شهر دوحه قطر، از حضور در آن خودداری کرد. روی‌کارآمدن مرسى و قدرت‌گرفتن جریان اخوان المسلمین توانست گرمایی به رابطه ببخشد. محمد مرسى که از رهبران جنبش اخوان‌المسلمین است اگوست ۲۰۱۲ برای شرکت در اجلاس جنبش عدم تعهد به تهران آمد. اگرچه این سفر چند ساعتی بیشتر به طول نینجامید و فقط برای انتقال ریاست جنبش عدم تعهد تعریف شده بود اما اولین ملاقات

یک رئیس‌جمهور مصر از ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ بود؛ و بسیاری معتقد بودند فصل تازه‌ای در روابط دو کشور باز شده. یک سال بعد مرسى از همتای ایرانی‌اش، محمود احمدی‌نژاد، دعوت کرد در اجلاس سازمان همکاری‌های اسلامی در قاهره حاضر شود.

لقوبی فایده‌ویزا

احمدی‌نژاد که اصرار داشت برگ برنده‌ای در سیاست خارجی دولتش رو کند، در دولت دومش ویژگی‌اش درگذرکمران مصرى را یک‌طرفه لغو کرد و پرواز مستقیم تهران – قاهره را بعد از ۳۴ سال راه‌اندازی کرد؛ اما این پرواز تنها یک بار گردشگر به مصر برد و بعد از آن اسلام‌گرایان مصرى، مقابل منزل کاردار ایران تجمع و عده‌ای هم به او حمله کردند. ایران خواستار امنیت دیپلمات‌هایش شد و آنها در مقابل، ورود ویزای ایرانی به کشورشان را ممنوع کردند. بهمن‌ماه سال ۹۱ بود که محمود احمدی‌نژاد در واپسین ماه‌های ریاستش بر دولت، به بهانه شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی راهی قاهره شد. سفری پرچاندی که سرانجامی خوش نداشت؛ به‌ویژه تنش‌های به‌وجودآمده در جریان سخنرانی او در الازهر و نیز تلاش ناکام برای پرتاب لنگه‌کفش به او در مسجد «الحسین» قاهره.

همسایگان پر دردسر

اما رابطه دو کشور علاوه بر الزامات دو طرف، بر مبنای رابطه هرکدام از آنها با کشورهای عرب منطقه و مسائل منطقه بنیان گذاشته می‌شود. رابطه ایران و عربستان، کویت، قطر، سوریه و عراق و… بر رابطه ایران و مصر تأثیر می‌گذارد. در دیگرسوز دزوند‌های پیچیده نفتی هم معادله را چندمجهولی می‌کند. سیسی، رئیس دولت فعلی مصر، پیش از پیروزی در انتخابات گفته بود ایران به‌خوبی می‌داند روابط با مصر از مسیر کشورهای عرب خلیج فارس می‌گذرد. آنها خانواده ما هستند و ما دوست داریم آنها در صلح زندگی کنند. تمام آنچه از ایران می‌خواهیم یک رابطه عادلانه است» ماجرای بیداری اسلامی، توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱، بحران سوریه و کج‌دارومریز رابطه ایران و عربستان هرکدام بر رابطه دو کشور تأثیر و تأثر دارد و آن را به سوی آشتی یا ادامه روند فعلی سوق می‌دهد. نگاهی به وضعیت سیاسی چند دهه اخیر تهران و قاهره نشان می‌دهد که شرایط دو دولت فعلی روی کار، یعنی دولت سیسی در مصر و دولت روحانی در ایران، بستر مناسبی است برای روشن‌کردن چراغ‌های رابطه. شرط ایران برای دعوت از مصر در نشست سوریه می‌تواند گام اول باشد.

اطلاعاتی) در این کشور مشغول فعالیت هستند و دولت مصر به درآمد آنان نیازمند است و عربستان همواره به‌عنوان تهدید، اخراج آنان را به‌عنوان یکی از گزینه‌های روی میز مدنظر دارد. دولت عربستان در دوران اقتصاد طلایی‌اش بسیار مایل بود با استفاده از اهرم اقتصادی، دولت مصر را دنباله‌رو سیاست‌های کشورش کند که مصری‌ها نیز با زیرکی از این فرصت استفاده کردند. درباره واگذاری دو جزیره مصری به عربستان، دولت عربستان قریب سیاست‌های زیرکانه سیاست‌مداران مصری را خورد. آقای السیسی، رئیس دولت، جزایر را به عربستان واگذار کرد و از مزایای آن برخوردار شد و پارلمان مصر اقدام رئیس‌جمهور را مردود دانست!

❧ **قاهره از انتخاب ترامپ هم بی‌تأثیر نخواهد ماند و به نظر نمی‌رسد که ترامپ تمایل چندانی برای ارتباط با کشوری درگیر مسائل اقتصادی داشته باشد. آیا همین موضوع نمی‌تواند موجب ایجاد بستر تعامل تهران و قاهره شود؟**

احتمالاً همین‌گونه خواهد شد. مصر و ایران فعلاً مشکلات مهمی دارند که باید بتوانند آنها را به سرانجام برسانند، بنابراین موقعیت هر دو کشور برای بهبود روابط، مستحکم نیست. باوجوداین، احتمال دارد مصر و ایران با وجود نداشتن رابطه سیاسی در شرایط فعلی، در برخی مسائل بین‌المللی با یکدیگر همسو شوند. این همسویی می‌تواند فضای جدیدی برای دو کشور ایجاد کند تا دیوار بی‌اعتمادی موجود میان دو کشور کوتاه شود و آنان در جهت برقراری رابطه از آن بهره‌برداری کنند.

❧ **آیا فضای موجود در اطراف مصر برای تغییر رابطه تهران و قاهره مناسب نیست؟**

فضای موجود می‌تواند برای تغییر رابطه تهران و قاهره مناسب باشد، به شرطی که هر دو کشور از فضای موجود حداکثر استفاده را کرده و از بزرگ‌کردن مشکلات فی‌مابین بپرهیزند. همچنین نباید به برخی‌ها این فرصت را بدهند که سکاندار سیاست خارجی کشور شده و بر طبل تفرقه بکوبند.

و هوایی؛ «بی‌آی‌ای»، دنبال می‌شود، مقام‌های انگلیس عمیقاً معتقدند که موفقیت‌های اقتصادی این کشور در بخشی از سیاست‌های اقتصادی خود را برای دهه بعدی میلادی هدف‌گذاری کرده است. انگلیس تلاش می‌کند تا حجم مبادلات تجاری خود را با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۷ میلادی به ۳۲ میلیارد پوند استرلینگ افزایش دهد. براساس هدف‌گذاری انگلیس برای دهه آینده (۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ میلادی) که براساس اهداف بلندپروازانه و آرمان‌هایش چیده شده است، این کشور به دنبال تجارت و سرمایه‌گذاری به میزان دو تریلیون دلار در این منطقه است. فعالیت‌های تجاری انگلیس در کشورهای عربی منطقه، اکثراً در قالب دو شرکت بی‌بی (بریتیش پترولیوم) و شرکت صنایع دفاعی

ادامه از صفحه ۶

احتمال رویارویی نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس

او در ادامه در واکنش به سخنان اخیر نخست‌وزیر انگلیس گفت: «این بیانات و این مواضع نابخردانه ناشی از خوی استعماری قدیمی بریتانیا، نابخشگی سیاسی، مست‌کننده‌بودن دلارهای نفتی، فرصت‌طلبی سیاسی و احیای تفکر استعمارگرانه انگلیس است.»

اسرائیل بحران ذاتی غرب آسیا

دربایان شمشانی، نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی، استبداد داخلی و سلطه‌گری و تجاوز خارجی را عوامل بنیادین بحران‌های منطقه‌ای دانست و با تأکید بر ساختگی بودن مجموعه بحران‌های منطقه‌ای، از رژیم صهیونیستی به عنوان تنها بحران ذاتی منطقه نام برد و گفت: «بحران‌های ساختگی موجود تابعی از اهداف و سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌منظور سرپوش‌گذاشتن بر بحران اصلی و تخلیه و انحراف ظرفیت‌های مقابله با رژیم صهیونیستی با شکل‌دهی مسابقه تسلیحاتی و خونین‌کردن مرزهای جهان اسلام است.» او افزود: «امنیت و منافع مفهومی یکپارچه و درهم‌تنیده است که تأمین آن نیازمند ایفای نقش فعال و مشارکت‌جویانه از سوی بازیگران محوری بر اساس قدرت و موقعیت‌شان است.»

تأثیر تحرک‌گیری ایران در امنیت منطقه

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در افتتاحیه کنفرانس روز گذشته تأکید کرد: «به‌هم‌ریختگی امنیت منطقه در کوتاه‌مدت سامان نمی‌یابد؛ اما جهت‌گیری ایران در این موضوع موجب آرامش منطقه است.» او به تبیین علل به‌هم‌ریختگی‌های منطقه و تحلیل آن پرداخت و فقدان قدرت مسلط، توسعه‌نیافتگی اقتصادی و گسترش فرهنگ افراط‌گرایی را منابع استقرار امنیت امنیتی غرب آسیا را تمسک به ظرفیت‌های منطقه‌ای دانست و گفت: «کشورهای منطقه وضعیت تأمین امنیت منطقه را دارند؛ اما به دلیل گرفتاری در بحران امنیتی- سیاسی توانشان صرف امور دیگری می‌شود و در کوتاه‌مدت نمی‌توانند امنیت منطقه را تأمین کنند. شاید به وقت بیشتری برای پیاده‌سازی نظم جدید احتیاج داشته باشند.» او استراتژی ایران در فضای منطقه را مبتنی بر اتحاد کشورهای اسلامی و مبارزه با رژیم صهیونیستی اعلام کرد و گفت: «با این راه، مسیر حق انتخاب شده که با واقعیت‌های کشورهای اسلامی هم‌گراست و راهی جز چنین مفاهمه‌ای امکان‌پذیر نیست.» رئیس مجلس شورای اسلامی

با اشاره به نظریه یکی از متفکران غربی درباره ایران ضمن رد این نظریه گفت: «یکی از متفکران آمریکایی معتقد است ایران در پی بازگشت امپراتوری قرن‌های گذشته است و این بازگشت نگران‌کننده‌تر از تروریسم داعش است. البته این نظریه کج‌فهمی صاحب آن را نشان می‌دهد. ایران نه‌تنها دنبال امپراتوری نیست بلکه مخالف چنین تفکری است. دوران هژمونی‌سازی گذشته است و هژمونی بر مبنای منافع تاکتیکی نگاهی نارس است.» لاریجانی سنگ‌گیری برخی سیاست‌مداران و کشورهای منطقه پشت قرقه‌گرایی اسلامی را خدعه و قریب توصیف کرد و افزود: «معتقدیم همه کشورهای اسلامی می‌توانند با حفظ منافع خود بهترین هم‌گرایی را شکل دهند.» به گفته او، دخالت کشورهای بزرگ در منطقه غرب آسیا، موجب گسترش تروریسم شده است. لاریجانی تفویض نایب به انگلیس از سوی آمریکا را موجب گسترش نافرمانی‌های مدنی و تحت‌الشعاع‌قرارگرفتن مسائل امنیتی غرب آسیا توصیف کرد و ادامه داد: مشکل منطقه در وجود جغرافیایی کشورها نیست که در قالب شکل‌گیری خاورمیانه جدید دنبال شود بلکه در دخل‌کاری‌های جدید است. او تأکید کرد: «ایران، ترکیه، سعودی و مصر به‌جای رقابت‌های فرسایشی می‌توانند مبارزه با تروریسم و منافع اقتصادی مشترک را در جهت برقراری امنیت منطقه دنبال کنند. این کشورها در یک تئوری مشترک ظرفیت متحول‌کردن منطقه را در ابعاد امنیتی دارا هستند. همه این کشورها به‌ویژه سعودی بداند ایران نه دشمن آنهاست و نه با نقش‌آفرینی مثبت آنان مخالفتی دارد. ما به‌صراحت اعلام می‌کنیم به نقش‌آفرینی همه کشورهای منطقه احترام می‌گذاریم.»

ایجاد اعتماد برای امنیت پایدار

عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور، با تأکید بر لزوم هم‌افزایی و همکاری کشورهای منطقه با یکدیگر در زمینه ایجاد امنیت پایدار، تأکید کرد: «ایجاد اعتماد متقابل، مهم‌ترین اقدام در زمینه ایجاد امنیت پایدار در منطقه است.» او با اشاره به تحولات منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر به عوامل این تحول پرداخت و گفت: «منطقه غرب آسیا حوزه تفکرات و اعتقادات اسلامی است و بحث تمدن اسلامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم منطقه محسوب می‌شود. او ورود منابع عظیم نفت، گاز و انرژی منطقه را دومین عامل و اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک منطقه را سومین عامل تغییرات عنوان کرد. کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی از دیگر سخنرانان کنفرانس امنیتی روز گذشته بود که اعتقاد داشت با وجود بی‌نظمی‌ها و نبود همکاری در بین کشورهای غرب آسیا نمی‌توان انتظار برقراری نظم و امنیت و دستیابی به توسعه و پیشرفت در منطقه را داشت. او با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس موفق عمل کرد، گفت: «امروز روسیه و ایران برای دفاع از خاک خود از سوریه حمایت می‌کنند و این امر نشان می‌دهد که نیروهای فرامنطقه‌ای می‌توانند در امنیت منطقه نقش داشته باشند.»